

## نگاهی به: عکاسی در خاورمیانه غربی

محمدرضا بهزادی<sup>۱</sup>

عکاسی با تاریخچه نه چندان کوتاه خود از آغاز پیدایش سهم بزرگی در پیشرفت دنیای هنر و ارتباطات داشته و خدمات ارزنده‌ای به شاخه‌های مختلف علوم و رشته‌های علمی و پژوهشی ارائه کرده است. امروزه عکس سیمایی چندگانه یافته است و از جنبه‌های مختلف مورد توجه و تحلیل قرار می‌گیرد. عکس به عنوان اثر هنری، سند تاریخی و اجتماعی، وسیله‌ای برای خبر رسانی، جزئی از تبلیغات و وسیله‌ای برای پیشبرد اهداف سیاسی و غیره به کار گرفته می‌شود. این فن به عنوان دستیار رشته‌های مختلف علمی و فنی و شاخه‌های گوناگون هنرهای تجسمی و حتی بیان ادبی نیز شناخته می‌شود. عکاسی که در سالهای میانی قرن نوزدهم میلادی اختراع شد، به سرعت دوران آغازین را پشت سر نهاد و جاذبه سحر انگیزش روشی شد برای بازنمایی و کشف دنیای پیرامون و ناشناخته‌ای که دیدار آن هواخواهان بسیاری داشت. این پدیده تازه و حیرت آور بسرعت توانست حضور خود را در دوردست‌ترین نقاط عالم گسترش دهد. وجود عکس از همان دوران به صورت عنصر ضروری هر گونه متن تحریری درآمد. از مقاله‌نویسی و روزنامه‌نگاری گرفته تا پرداختن به مطالب تاریخی و اجتماعی و سیاسی، جای پای عکس وجود داشته و دارد. عکاسی جدا از حوزه‌های حرفه‌ای که در آن‌ها به کار گرفته می‌شود دارای قلمرو خاص خود است که در آن ملاک‌های ویژه‌ای حکمفرما می‌باشد. در این قلمرو است که عکاسی به دور از دیگر حواشی حاکم بر سایر رشته‌های مرتبط با آن، با ملاک‌های مخصوص بخود مورد ارزیابی و داوری قرار می‌گیرد. این هنر ارزشمند همواره در تمام ادوار مختلف اصالت ذاتی و استقلال خویش را به عنوان زبانی گویا و با ویژگی‌های منحصر به فرد حفظ نموده است. اما باید اذعان کرد عکاسی با این کارکردهای وسیع دارای تاریخی است

---

1. Behzadi268@yahoo.com.

که نقاط تاریک و روشن فراوانی در صفحات آن به چشم می‌خورد و هنوز برخی از زوایای مبهم و هزار توی آن، در برخی از نقاط عالم مورد کنکاش و موشکافی قرار نگرفته است.

این آثار هنری که از آن‌ها به عکس تعبیر می‌شود لحظات و دقایقی هستند که در قالب تصویر تبدیل به پیکره‌های هنری و تاریخی گردیده‌اند و نمی‌توان ایشان را با دیگر انواع اسنادی که در مراکز اسناد تاریخی نگهداری می‌شوند یکسان شمرد، زیرا این آثار هنری حاصل آفرینش آزاد روح و حیات خاص یک هنرمند است و از قریحه سرشار و چیره‌دستی وی گواهی می‌دهد و از این منظر از دیگر مواد آرشویی منحصر به فرد می‌تواند باشد.

معرفی و فهرست کردن عکس‌های تاریخی هر ملت، یکی از ضروریات برای شناخت و معرفی گذشته فرهنگ آن کشور در ابعاد مختلف تاریخی، اجتماعی، مردم‌شناسی، فرهنگ عامه و بسیاری از زمینه‌های دیگر پژوهشی است. کاری که در بیشتر کشورهای پیشرفته و متمدن روزگار ما انجام پذیرفته و در کشور عزیزمان نیز با رشد چشمگیری در حال انجام است.

در هفتم ژانویه ۱۸۳۹ میلادی، فرانسوا دومینیک آراگو فرانسوی پشت تریبون آکادمی علوم پاریس ایستاد و خبر اختراع عکاسی را به همگان اعلام کرد. لویی ژاک منده‌داگر، طبق گزارش آراگو موفق شده بود از جعبه تاریک برای گرفتن تصویر از موجودات زنده بر روی ورقه‌ای فلزی استفاده کند. آراگو اظهار داشت که این اکتشاف دارای کاربردهای حیرت‌آور بسیاری است و یکی از آن کاربردها که در همان روز گزارش مربوط به عکس و خاورمیانه بود که جهانیان دریافتند آفتاب هم می‌تواند نقش‌هایی بیافریند. نسخه‌برداری میلیون‌ها هیروگلیف که حتی نمای خارجی آثار تاریخی تبس، ممفیس و غیره را می‌پوشاند و همچنین بررسی محراب‌ها و نوشته‌های مساجد و امکنه باستانی و اسلامی مصر، کارهایی که انسان برای انجام آن به ده‌ها سال صرف وقت و کمک لژیونی از طراحان نیاز داشت به یاری روش داگروتیپ حتی هر فرد تنها می‌توانست این کار بی‌نهایت بزرگ را انجام دهد. البته این دوربین وسیله بصری جدیدی نبود. دانشمندان عرب در سده هشتم میلادی از اصول ساختمانی جعبه تاریک آگاه بودند که می‌توان آن را اجداد دوربین عکاسی جدید دانست. تشریح کامل از این وسیله توسط حسن ابن الحسن معروف به ابن هیثم، اولین بار در سده دهم آمده است و می‌توان این طور گفت نهمصد سال بعد غربی‌ها دوربین را به سرزمین‌های اسلامی بازگردانیدند. پیش از سده نوزدهم چنین به نظر می‌رسید که خاورمیانه و غرب تنها می‌توانستند سری به نشانه آشنایی برای یکدیگر تکان دهند. اما با شدت یافتن رقابت مستعمرات، ناپلئون بناپارت، کسی که عنوان امروزی‌ترین فرمانروای دوران خود را یدک می‌کشید از ۱۷۹۸ به غنی‌ترین، قدیم‌ترین، پرجمعیت‌ترین و مشهورترین ایالت تحت‌الحمایه امپراتوری عثمانی یعنی مصر حمله کرد فرانسوی‌ها پیش از آن که در جنگ دریایی اوبوگیر از انگلیسی‌ها شکست بخورند، توانسته بودند سواره نظام قرون وسطایی ممالیک را در نبرد اهرام درهم بشکنند. هدف مقدماتی ناپلئون گرفتن راه عبور دریای سرخ به هند بود یعنی تسلط بر جایی که انگلیسی‌ها ۳۰ سال پیش آن‌ها را از آن جا رانده بودند. نقشه او حفر کانالی از مدیترانه به سمت دریای سرخ بود تا از آن طریق بتواند کشتیرانی جهانی را از طریق مدیترانه میان اروپا و

خاور دور برقرار سازد. رود نیل در آن صورت بدل به خیابانی فرانسوی منتهی به قلب سرزمین‌های هنوز ناشناخته آفریقا و مقدمه‌ای برای فرانسوی کردن مصر می‌شد. ناپلئون بناپارت ۱۷۰ دانشمند، پژوهشگر و هنرمند را، بعنوان هیئت علمی و کمیسیون هنری، همراه خود برد تا به مطالعه فرهنگ‌های باستانی و معاصر بپردازند.

در سده نوزدهم هر سیاحی می‌توانست در برابر یکی از آثاری که هزاران سال قدمت داشتند زانو بر زمین زند و با پس‌زدن شن کمی دیگر از تاریخ باستانی را روشن‌تر کند. اگر چنین شخصی از آن بنا عکس گرفته بود، تصویر او می‌توانست پژوهشگران امروزی را یاری دهد، زیرا چه بسا که در این فاصله همان خرابه‌ها گاهی توسط ساکنان بومی و همچنین مجموعه‌دارها مورد تهاجم قرار گرفته و رو به ویرانی نهاده باشد، یا آن که پوسته رویی سطح زمین در آن ناحیه در صد سال گذشته تغییراتی دیده باشد. به این ترتیب ساحل رودخانه تغییر کرده و شنزار، سنگ‌های راهنما را در زیر خود مدفون ساخته باشد. دانش باستان‌شناسی که تدریجاً در حال شکوفایی بود ناگزیر از کاربرد دوربین عکاسی بود. از همان آغاز، باستان‌شناسان به امید کشف رازهای سر به مهر دوران‌های گذشته از عکاسی برای بررسی‌های خود، از جمله برای مطالعه هر چه بهتر جزئیات ویژه هر بنا، شکل ظاهری یک طاق، یا بررسی یک هیروگلیف، یا برای درک تناسب کلی موجود در یک مجموعه، استفاده کرده‌اند.

چارلز بریستد درباره بیوگرافی پدرش جیمز هنری بریستد که از جمله باستان‌شناسان معروف بود چنین نوشت: «ثبت صورت ظاهری چیزهای شناخته شده و قدیمی که بطور مداوم در معرض نابودی‌اند و بناهای تاریخی که ذکری از آن‌ها در نوشته‌ها نشده اما بالای زمین جای دارند، درست است که جاذبه و هیجانی که معمولاً به هنگام جستجوی گنج مدفون به انسان دست می‌دهد، ایجاد نمی‌کنند. اما او [جیمز هنری بریستد] بیش از پیش متقاعد شده است که به هر حال قسمت اعظم کاوش‌های باستان‌شناسی اشخاصی همچون [سر فلیندرز] پتری [تئودور -م] دیویس جیمز ادوارد کویبل و سایرین، حقا می‌بایست در مصرشناسی نقش داشته باشند، و او کار خود را خدمتی فراتر از نسخه برداری از روی کارهای آن‌ها به حساب نمی‌آورد، در حالیکه کار آن‌ها از نظر نحوه ثبت آثار باستانی مصر همچنان روشن بوده است».

بی‌تردید در خاورمیانه از سنگ نوشته‌ها، کوزه‌ها، اجساد مومیایی شده، مقابر و یا از اتاق‌ها، به مراتب بیش از روستاییان، شاهزادگان، یا مردان روحانی «مقدس» عکس گرفته شده است. در حدود سال ۱۸۴۶، دفترچه‌ای حاوی سه عکس اصیل از یک متن هیروگلیفی که عنوان آن تصویری تالو تایپ [کالوتایپ]، از یک نوشته هیروگلیفی بود، در مؤسسه مطالعاتی فاکس تالوت چاپ و در میان پژوهشگران، توزیع شده.

از همان سال ۱۸۳۹ میلادی که تکنولوژی عکاسی پدید آمد، بیگانگان شروع به گرفتن عکس از خاورمیانه کردند. از آنجا که اروپاییان همیشه شیفته این سرزمین‌های شگفت‌انگیز بودند شروع به جمع‌آوری و خرید نسخه‌های نفیس از تصاویر کردند. اینان داستان‌های خیال‌انگیز و زیبای هزار و یکشب را با آن تصاویر هیجان‌آفرین خوانده بودند و اینک آن تصاویر نقاشی شده را به طور زنده مشاهده می‌کردند و طبیعی است که جاذبه بیشتری را حس می‌نمودند.

این تازه ابتدای راه بود، دوربین‌ها کم‌کم وارد صحاری وسیع خاورمیانه گردید که تاریخ عظیم این پهنه از جهان را در خویش جای داده بود. در بین کاروانها و ساکنان بدوی این مناطق که بدون ایشان هیچ تمدنی نمی‌توانست پا به عرصه وجود بگذارد وارد شدند و در آبادیها و شهرهای این سامان که جزو اولین مناطق مسکون عالم بود قدم نهادند و شروع به ثبت لحظاتی کردند که هرگز از خاطر تاریخ محو نخواهد شد.

خاورمیانه‌ای که ایشان تصویر کردند امروزه پاره پاره و تکه تکه شده و دیگر از امپراتوری قدرتمند عثمانی در آن خبری نیست. دور نیست زمانی که قسمت‌های وسیعی از خاورمیانه در زیر پرچم آل عثمان آرام گرفته بود و بخش عمده‌ای از آن نیز به سرزمین اسلامی ایران تعلق داشت که سال‌ها مقر فرمانفرمایی شاهان طایفه قاجار بود. این سرزمین، غیر از کشور اسلامی عزیزمان ایران که از تند بادهای حوادث جان سالم بدر برده و چون کوه محکم ایستاده و هرگز تجزیه نگردیده است، شامل مصر، سودان، و نوبیا، کوش و اتیوپی، اردن و ماورای اردن، فلسطین و لبنان و سوریه، ترکیه و آناتولی و آسیای صغیر، عراق و بین النهرین، عربستان سعودی، یمن و عدن و حضر الموت، عمان و امارات ساحل خلیج همیشه فارس شامل دبی، ابوظبی، شارجه، راس الخیمه و قطر و بحرین و کویت بوده است.

تمامی این سرزمین‌ها با وسعتی بالغ بر سه میلیون و هفتصد هزار مایل مربع خاورمیانه افسانه‌های هزار و یکشب قصر هارون الرشید را می‌ساختند. این عکاسان توانستند ظرف مدت چند دهه بازارهای عکس عالم را با این تصاویر فتح نمایند. در مجموعه‌های عکس، صدها هزار عکس از خاور میانه وجود دارد که اغلب آن‌ها از زمان جمع‌آوری و تبدیل به آرشیو ساکن شدن تاکنون مورد مطالعه و بررسی قرار نگرفته است. این عکس‌ها می‌توانند فرهنگ و تمدن بسیار غنی این قسمت از عالم را آشکار نمایند. اکنون در سرتاسر جهان آرشیوهای دولتی و خصوصی بسیاری وجود دارند که شاید بتوان تخمین زد یک چهارم از عکس‌های این مجموعه‌ها که مربوط به خاورمیانه است به هیچ‌وجه مورد مطالعه و تحقیق محققان اهل همین سرزمین‌ها قرار نگرفته است و در برخی تنها به تحقیقات بسیار خرد بسنده شده است.

با این اوصاف برای پژوهش در تصاویر خاورمیانه پیش از جنگ بین‌الملل اول هنوز جای کار بسیاری وجود دارد. روح سرزمین‌های خلافت شرق هنوز در این تصاویر جاری است، تصاویر مساجد، مدارس، عمارت‌ها و مناره‌هایی که اکنون از میان رفته اند و جای خویش را به شهرهای صنعتی و پرفت و آمد عالم سپرده‌اند. در این بین می‌توان دریافت که این عکس‌ها تا چه حد می‌توانند پیوند میان حال و گذشته را برقرار نمایند. تو گویی عکس‌ها همه زنده و جا ندارند، تصاویری که هرگاه من به آن‌ها می‌نگرم تا اعماق تاریخ پیش می‌روم و تمام مطالب تاریخی ناقصی را که مورد مطالعه قرار داده‌ام از جلوی چشمانم عبور می‌کند. می‌پنداری که عکاس توانسته قطعه‌ای از تاریخ را پیش از این زمان که تو هستی برای حفظ نماید تا هرگاه به آن می‌نگری پلی میان خودت و گذشته با این عکس‌ها بسازی و راحت بتوانی به آن عصر سفر کنی. پس از سال‌های پایانی قرن هجدهم میلادی که عصر اکتشاف پایان پذیرفته و اروپا، پا در مسیر صنعتی شدن می‌گذاشت بهشت جهانگردان را باید در خاورمیانه جستجو کرد. جایی که هنوز، نه به لحاظ مناطق ناشناخته و دست نیافتنی بلکه به جهت دارا بودن تمدن‌های ناشناخته و مردمان پر رمز و راز، موردنظر ایشان بود.

پس از اختراع دستگاه عکاسی، خاورمیانه و به خصوص ایران و مصر و شامات، جزو اولین مناطقی بودند که دوربین‌های عکاسی را پذیرا گشته تا خویش را به جهان بشناسانند.

کار عکاسانی که اقدام به تاسیس استودیوهای خصوصی در خاورمیانه در قرن نوزدهم کردند، به طور عمده درباره معماری باستانی مصریان یا تصاویری از بناهای اسلامی مصر و شامات و فلسطین در دوره‌های مختلف خلافت اسلامی همچون دوران پرشکوه خلافت فاطمی و یا از بناهای یاد شده در تورات و انجیل و یا صحنه‌های ساختگی خیابانی بود. نسخه‌های این گونه عکس‌ها در مغازه‌های عکاسی و یا در هتل‌های معروف اروپایی و بعضاً آمریکایی به فروش می‌رسید. برخی نیز توسط کمپانی‌های عکاسی یا عکاسخانه معتبر اروپایی به صورت جلد شده (آلبوم) به ثروتمندان اروپا و مشتاقان این آثار فروخته می‌شد. بیشتر عکاسان که در قلمرو امپراتوری عثمانی به فعالیت می‌پرداختند، غیرمسلمان بودند و معدودی نیز شرقی در میان آن‌ها وجود داشت. جهانگردانی که به این منطقه وارد می‌شدند، تا اواخر دهه ۱۸۸۰ بطور معمول دوربین به‌همراه خویش نمی‌بردند. بنابراین تا چندین دهه عکس‌های حرفه‌ای از مناظر تاریخی و باستانی بازار خوبی داشت. از طرفی چون نقاشان غربی به این گونه عکس‌ها برای خلق خاورمیانه بر روی بوم‌های خویش احتیاج مبرم داشتند بی‌هیچ زحمت و بدون سفر به این مناطق می‌توانستند از این تصاویر بهره‌مند شوند. مردانی چون برادران عبدالله، ارامنه‌ای بودند که پس از تشرف به اسلام، عکاسان دربار سلطان عبدالحمید خان دوم پادشاه عثمانی گردیدند. دیگران همچون آرنو، بشار، لکجیان، بیتو، برگرن، بن فیس، دوماهر، هامر اشمیت، صباح و زانگاکي همگی از عکاسان شایسته و شناخته شده آن زمان بودند.

حضور ایشان در خاورمیانه آن زمان، سؤالات بسیاری در ذهن من ایجاد می‌کند. این که چگونه ایشان با جوامع محلی و عشیره‌ای و طایفه‌ای ارتباط برقرار می‌کردند یا چگونه می‌توانستند آزادانه به تمام مناطق و عمارت‌های کشورهای اسلامی خاورمیانه سفر کنند و تصاویر به ظاهر بی‌جان ولی در باطن مملو از آثار حیات را خلق نمایند، خود جای تفکر و تعقل فراوان دارد. در بخشی از این مناطق مانند صحراهای ربع خالی در عربستان سعودی یا مناطق بدوی‌نشین جنوب خلیج فارس، وجود قبایل بیابانگرد که برخی محدودیت‌های مذهبی را با جامعه نه‌چندان معتقد خویش به شعایر اسلامی، و خرافات و موهوم پرستی‌ها ادغام کرده بودند می‌توانست برای این هنرمندان مشکل‌آفرین باشد. شاید بتوان گفت کشورهایی که ایشان در آن احساس امنیت می‌کردند و آزادانه به کار خویش می‌پرداختند ایران، مصر و قسمتی از عثمانی باشد. به هر حال می‌توانم با قاطعیت بگویم یکی از زیباترین مجموعه‌های عکاسی عالم را عکاسان زبردست از این نقطه بحث‌انگیز عالم تهیه کردند. امروزه اگر به کتابخانه‌ای مراجعه کنیم و فهرست سفرنامه‌های بیگانگان را از نظر خویش بگذرانیم خواهیم دید ایشان چگونه با ظرافت نکات ریز اجتماعی، سیاسی، مذهبی و غیره را از نظر دور نداشته و به ثبت آن پرداخته‌اند. کم‌کم این گونه نوشتجات به تصاویری تبدیل شد که این نکات ریز را بهتر بتواند به خواننده اروپایی بنمایاند.

عکاسان فعال در خاورمیانه متأسفانه برعکس دیگر همکاران خویش در دیگر نقاط عالم از تجربیات خود، به ندرت یادداشتی برجا گذاشته‌اند. در میان ایشان پل فیلیکس آدریان بن فیس فرانسوی اصلی

که از تحصیل کردگان مدرسه عربی در بیروت بود یادداشت‌هایی در پیشکش یکی از آلبوم هایش بر جای گذاشته که فکر می‌کنم شاید بتواند گوهر مطلب را ادا نماید. وی می‌نویسد: «در این قرن ماشین بخار و الکتریسیته، همه چیز حتی اماکن نیز تغییر می‌یابد. پیشاپیش در دشت باستانی شارون می‌توان صدای سوت لوکوموتیو را شنید. جاده‌ای بی انتها که به دمشق می‌رود، اکنون به چیزی نه بیش از راه آهنی پیش پا افتاده بدل شده است! قبل از آنکه پیشرفت بتواند تمامی نقش ویرانگرانه اش را عملی کند، و قبل از آنکه زمان فعلی به گذشته بپیوندد ما کوشیده ایم آن‌ها را از حرکت بازداریم و ضمن یک رشته تصاویر داخل این آلبوم به خوانندگان خود پیشکش کنیم.»

چندی پیش تعدادی ورق از یک آلبوم عکس مربوط به اواسط قرن نوزدهم میلادی به دستم رسید. پس از بررسی دقیق و مطالعه زیرنویس عکس‌ها دریافتم این عکس‌ها توسط گ. لکجیان، عکاس رسمی و مخصوص ارتش اشغالگر بریتانیا در مصر بوده است. آنطور که معلوم شد لکجیان از اوایل دهه ۱۸۶۰ میلادی تا اوایل قرن بیستم (فاصله سال‌های ۱۸۶۰ تا ۱۸۸۰ میلادی) به کار عکاسی در مصر بوده است. متأسفانه بیوگرافی موجزی از وی در اختیار است و اطلاعات چندانی برای من از وی معلوم نشد. اما این بدان معنا نیست که کارهای لکجیان که امضای زیر عکس‌های وی عبارت «گ. لکجیان و شریک» می‌باشد، فاقد ارزش است، بلکه می‌توان گفت در نوع خود شاید کم نظیر است. عکس‌هایی که لکجیان گرفته است از نظر تکنیک شاید منحصر بفرد باشد، عکس‌هایی با موضوع‌های آثار باستانی مصر و نوبیا، زندگی اجتماعی مردم و جشن‌ها و عزاداری‌های ایشان در بلاد مصر و شام و همچنین تصاویری هنری که زاینده اندیشه و هنر این عکاس توانای قرن نوزدهم است. عکس‌های این مجموعه که بیشتر از مناطقی در مصر چه زندگی اجتماعی و سیاسی و مذهبی ملت و چه از ابنیه تاریخی مصر خدیوی تهیه شده است، می‌تواند سیمایی از مصر اواسط قرن نوزدهم را به شما عزیزان نشان دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

### کتابنامه:

- ذکاء، یحیی، تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام در ایران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، [تهران]: چاپ اول، ۱۳۷۶.
- ژام، آندره، پل ژه؛ میشل فریزو و ژان - کلود گوتران، سرگذشت پیدایش عکاسی، ترجمه پیروز سیار [تهران]، سروش، چاپ اول، ۱۳۷۶.
- سمسار، محمدحسن. فاطمه سراپیان، کاخ گلستان (آلبوم‌خانه)، فهرست عکس‌های برگزیده عصر قاجار، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، ۱۳۸۲.
- صافی، قاسم، عکس‌های قدیمی ایران (رجال، مناظر، بناها و محیط اجتماعی)، [تهران]، انتشارات دانشگاه تهران، شماره ۲۰۱۰، چاپ اول، ۱۳۶۸.
- واچک، لویی و گیل باکلند، جهانگردان در سرزمین‌های باستانی (تصویری از خاورمیانه در سال‌های ۱۸۳۹ تا ۱۹۱۹)، ترجمه احمد و خشوری، [تهران]، طهوری، چاپ اول، ۱۳۸۱.

Le guern, Nicolas, *L’Egypte et ses premiers photographes. Etude des différentes techniques et du matériel utilisés de 1839 à 1869.* septembre 2001.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی





پیام بهارستان / د. ۲، س. ۲، ش. ۷ / بهار ۱۳۸۹

نمایی از مسجد قایتبای و مناره‌های مسجد احمد بن طولون در قاهره





مناره‌ای از دوران خلافت فاطمیان در قاهره



مناره یکی از مساجد قاهره مربوط به عصر ایوبیان



چهار پایان مسافر بر همراه با صاحبان خویش در ایستگاه در قاهره





نمای داخلی مسجد قایتبای در قاهره



پیام بهارستان / ۲۵، س. ۲، ش. ۷ / بهار ۱۳۸۹

دوره‌گردی در لباس راهنما در مقابل دوربین ژست گرفته است



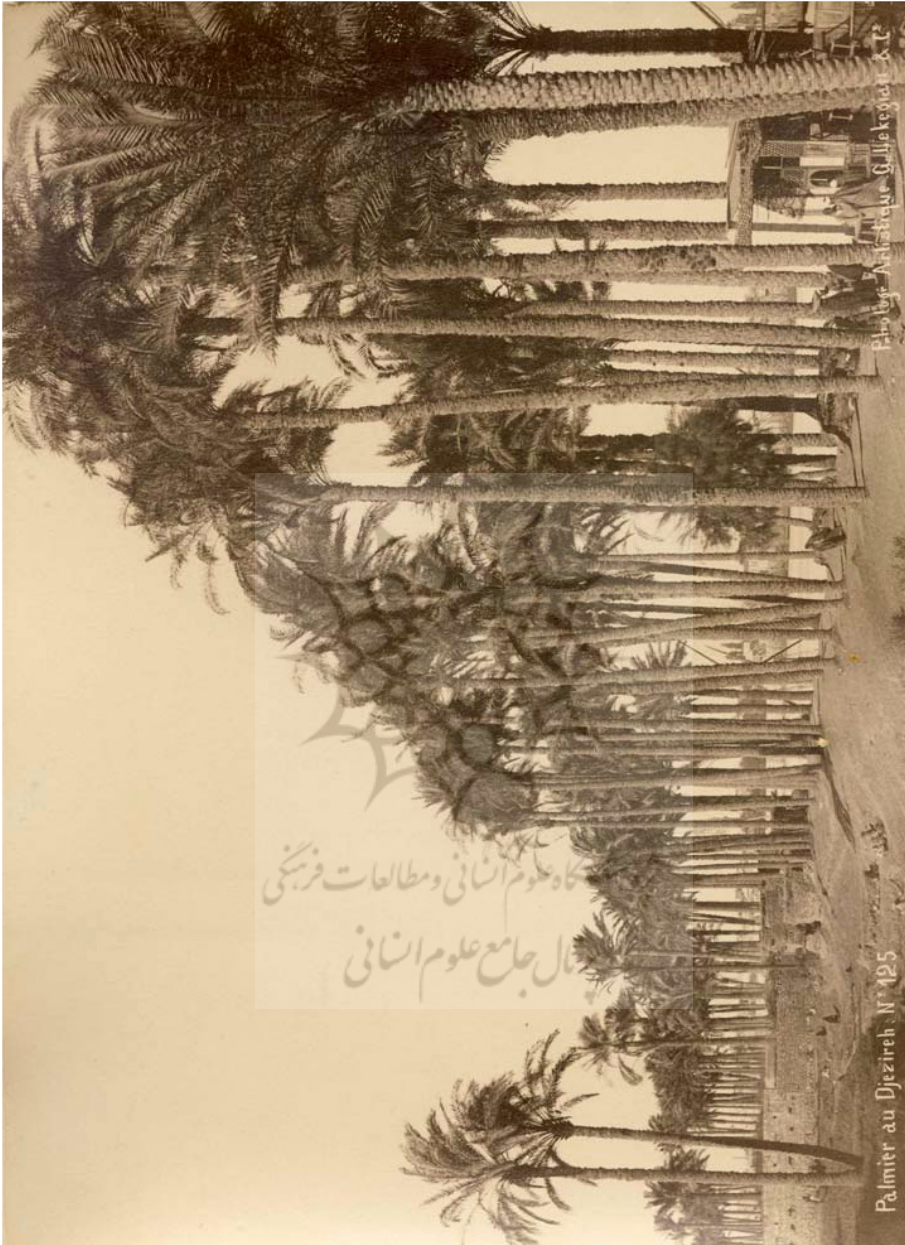
نمایی از یک مناره مربوط به دوران فاطمی در قاهره





پیام بهارستان / د. ۲، س. ۲، ش. ۷ / بهار ۱۳۸۹

طلاب در حال ورود و خروج به مسجد و مدرسه جامع الازهر در قاهره



نخلستان‌های کناره رود نیل در نزدیکی جیزه قاهره

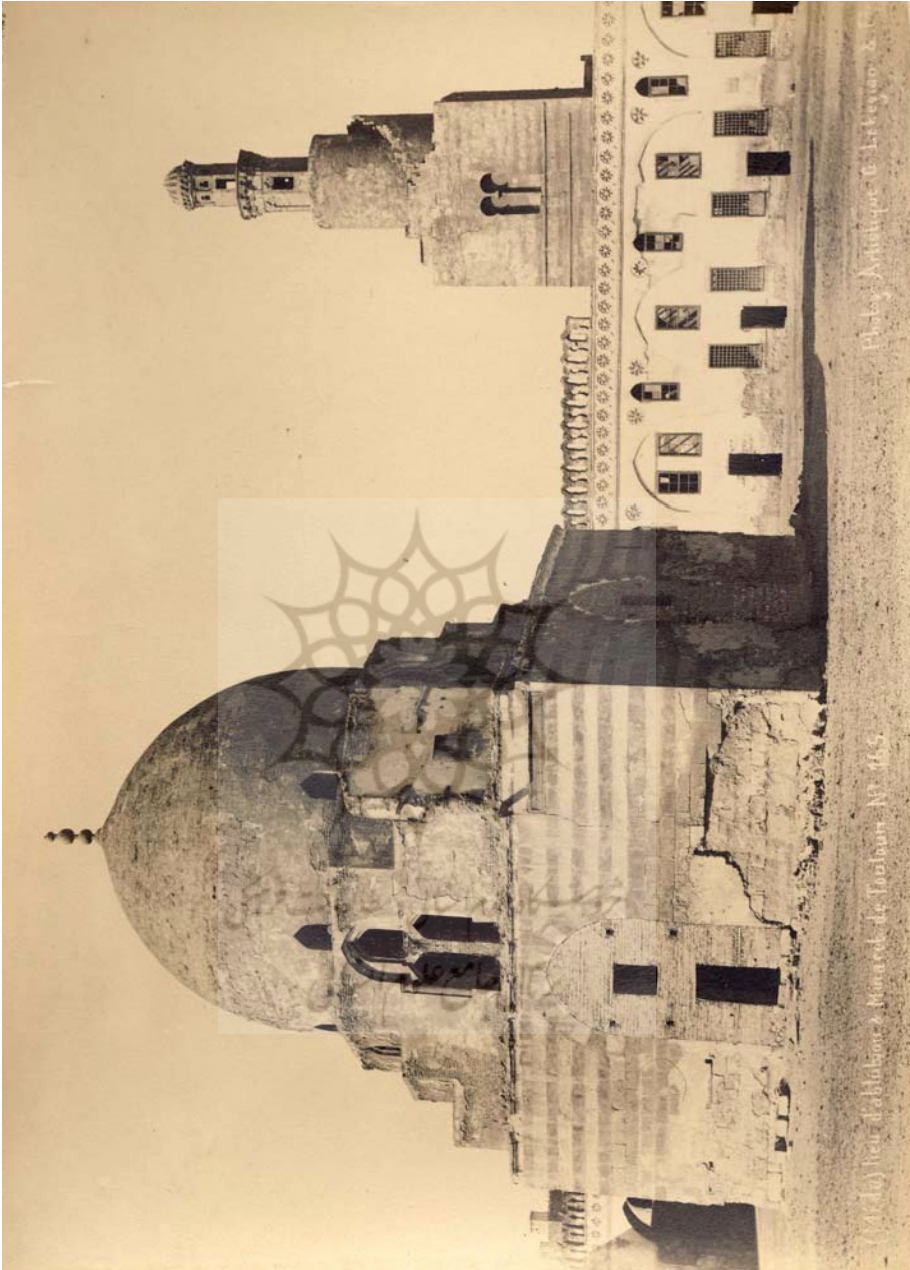




نان فروش دوره گرد و آب فروش مشغول کسب در یک روز تابستانی گرم در قاهره



نمای داخلی مسجد احمد ابن طولون در قاهره



مقبره یکی از سلاطین ایوبی و نمایی از مناره مسجد احمد ابن طولون در قاهره





نمای داخلی و عمارت مسجد الحاکم در قاهره





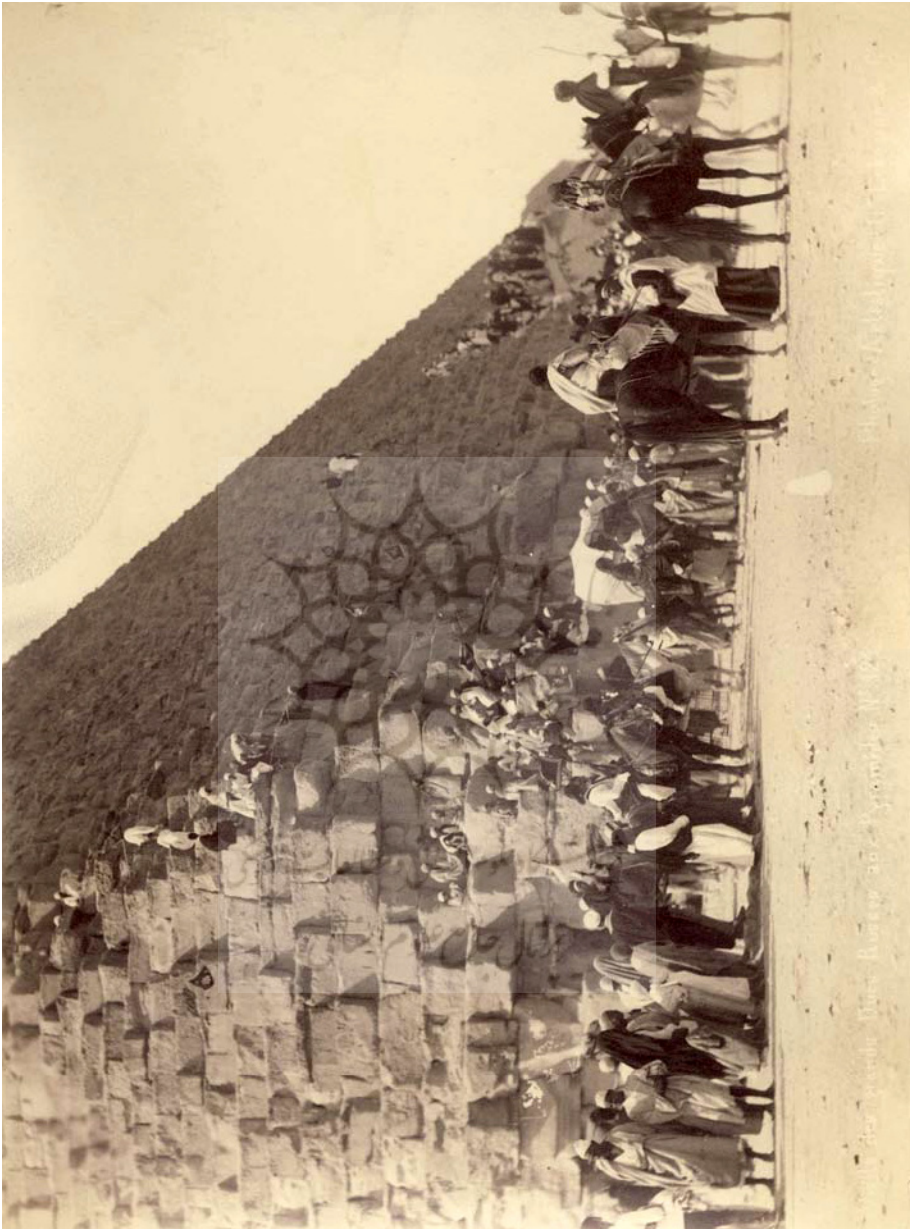
پیام بهارستان / ۲۵، س. ۲، ش. ۷ / بهار ۱۳۸۹

مناره مسجد احمدابن طولون در قاهره



پیام بهارستان / ۲۰، س. ۲، ش. ۷ / بهار ۱۳۸۹

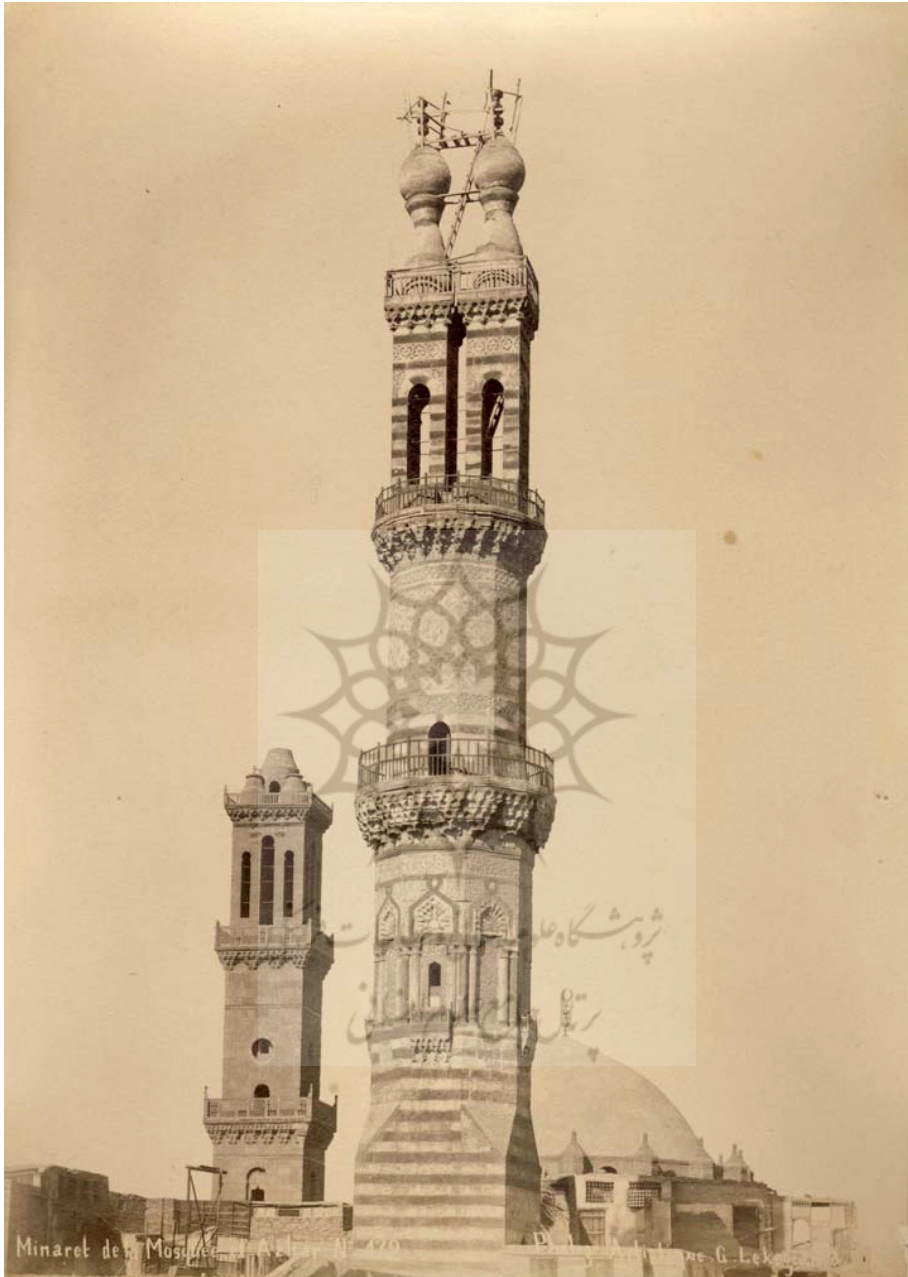
سواران مستقبل از مقام بلند پایه روس در کنار اهرام



پیام بهارستان / ۲۵، س. ۲، ش. ۷ / بهار ۱۳۸۹

سواران که به مناسبت استقبال از مقام بلندپایه روسی در کنار هرم بزرگ اجتماع کرده‌اند





مناره و گنبد مسجد جامع الازهر در قاهره



پیام بهارستان / ۲۵، س. ۲، ش. ۷ / بهار ۱۳۸۹

فروشنده نی و بویا در قاهره



پیام بهارستان / ۲۰، س. ۲، ش. ۷ / بهار ۱۳۸۹

حلقه‌های درس طلاب در جامع الازهر در قاهره